

بررسی تطبیقی برنامه های جامع حمایت از خانواده در جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

خیرالله پروین^۱، حامد عبدالهی^۲

^۱ استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

نقش خانواده ها در پیشرفت و تامین سلامت جامعه در تمامی ابعاد آن انکار ناپذیر است. اگر خانواده های استوار و سالم اساس یک جامعه را تشکیل دهند آن جامعه به سمت کامیابی و موفقیت حرکت می نماید و چنان چه بنیان های خانواده متزلزل باشد، بدون شک اثر منفی خود را بر جامعه خواهد گذاشت. اقدامات حمایتی دولت از جمله عواملی است که در صورت اعمال صحیح آن می تواند منجر به استحکام خانواده ها گردد. حمایت از خانواده و تلاش در جهت تحکیم آن در دولت های جمهوری اسلامی ایران و انگلستان به عنوان یک ضرورت مورد پذیرش قرار گرفته است. حمایت از خانواده در جمهوری اسلامی ایران عمدتاً با حمایت از بانوان و در انگلستان با محوریت کودکان تجلی می یابد. جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در فواصل سال های ۱۳۹۴-۱۳۸۹ (۲۰۱۵-۲۰۱۰) برای نخستین بار اقدام به تدوین برنامه های جامع جهت حمایت از خانواده نمودند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی ضمن بررسی میزان موثر بودن این برنامه ها در بهبود وضعیت خانواده در کشور های مذکور، اقدام به آسیب شناسی آنها می نماید. این برنامه ها اگرچه اقدامی نوآورانه در زمینه برنامه ریزی برای حمایت از خانواده بوده است اما، به علت موازی کاری، تکرر برنامه ها و ضعف در نظارت و اجرا نتوانسته است به نتایج مورد نظر دست یابد.

واژه های کلیدی: حمایت از خانواده، دولت جمهوری اسلامی ایران، دولت انگلستان، سیاست ها و اقدامات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

خانواده موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادین جامعه است که در شرایط مختلف در تاثیر و تاثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می یابند و رسیدن به تکامل اخلاقی و معنوی در خانواده های رشید و سالم برای آنان فراهم می گردد. البته خانواده متأثر از عملکرد آموزش، مذهب و حکومت می باشد [۱]. خانواده ها جهت در امان ماندن از آسیب های متنوعی که با آن مواجه می شوند نیازمند اقدامات حمایتی از سوی دولت می باشند. این حمایت به معنای مداخله در زندگی خصوصی افراد و نقض حریم خصوصی آنان محسوب نمی شود. حمایت دولت از خانواده به معنای فراهم کردن امکانات اولیه برای تشکیل خانواده، حمایت از زوجین در طول زندگی زناشویی با استفاده از قوانین و مقررات و برنامه ریزی های صحیح و تلاش در جهت جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده می باشد.

در جمهوری اسلامی ایران با تحلیل اسناد بالا دستی نظام از جمله قانون اساسی، سند چشم انداز ۱۴۰۴ و سیاست های کلی نظام نشان می دهد گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان و خانواده مبتنی بر سه محور «حفظ قداست و تحکیم نهاد خانواده»، «مشارکت اجتماعی-اقتصادی زنان» و «استیفای حقوق زنان» است [۲]. اگرچه علاوه بر این سه محور با اندکی تاملی بیشتر می توان حمایت از خانواده های کم بضاعت و همچنین خانواده های بی سرپرست و بدسرپرست را به عنوان موضوعات هدف در اسناد بلادستی نظام اسلامی مشاهده نمود.

در انگلستان با روی کار آمدن دولت کارگری در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) این دولت دارای سهم بزرگی در حمایت از کودکان و تغییر سیاست های خانواده داشت. در این کشور اصلاحات در رابطه با حمایت از خانواده به صورت قابل توجهی گسترش یافته است و حمایت از خانواده به طور کلی با ارائه خدمات برای خانواده های نیازمند با در نظر گرفتن مشکلات آنان و همچنین کودکان این خانواده ها که در معرض خطر هستند، در نظر گرفته شده است [۳]. مقایسه دولت انگلستان و دولت جمهوری اسلامی ایران در مسئله حمایت از خانواده به این سبب است که این دولت ها تا پیش از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) به صورت پراکنده و بدون داشتن هرگونه برنامه جامع و مدون اقداماتی را در جهت حمایت از خانواده اعمال می نمودند اما، طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ (۲۰۱۰-۲۰۱۵) موضوع خانواده و حمایت از آن به صورت جدی و ویژه در دستور کار دولت های جمهوری اسلامی ایران و انگلستان قرار گرفت. به همین منظور دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام به تدوین «سند تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده»، «سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» و دولت انگلستان «برنامه خانواده های دارای مشکلات متعدد» (۲۰۱۱-۲۰۱۵) و «برنامه خانواده های دارای مشکل» (۲۰۱۲-۲۰۱۵) نمود. اهمیت پژوهش پیش رو از آن جهت است که دو نظام سیاسی که از لحاظ مبانی اعتقادی با یکدیگر تفاوت های بسیار زیادی دارند جهت بهبود وضعیت خانواده در کشور های خود اقدام به اتخاذ روشی یکسان با مفادی متفاوت می نمایند که این امر سبب می شود تا نقاط قوت و ضعف این روش اجرایی جهت ادامه دادن یا عدم ادامه آن در آینده نیز کشف شود. عمده مطالعات پیشین در حوزه حقوق خانواده با مبنا قرار دادن حقوق خصوصی و جامعه شناسی خانواده به موضوع حمایت از خانواده پرداخته است. این مقاله برای نخستین بار از دیدگاه حقوق عمومی به بررسی تطبیقی برنامه های جامع حمایت از خانواده در دولت های جمهوری اسلامی ایران و انگلستان پرداخته است. در این راستا در مقاله حاضر نخست به مفهوم شناسی خانواده و بررسی دیدگاه بنیادین هر دو نظام سیاسی نسبت به موضوع خانواده و حمایت از آن پرداخته خواهد شد و سپس مهمترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در حمایت از خانواده تا پیش

^۱Labor government

^۲Families with Multiple Problems programme

^۳Trouble families programme

از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت برنامه های جامع حمایت از خانواده هر دو کشور طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۸۹ بررسی تحلیلی خواهد شد.

۲. مفاهیم

خانواده به عنوان سنگ بنای اصلی تشکیل دهنده هر جامعه از ابتدای تاریخ تاکنون، اهمیت و نقشی غیرقابل انکار داشته است و با گذشت زمان نه تنها از اهمیت آن نیز کاسته نشده است بلکه امروزه در بسیاری از جوامع دستیابی به یک مجموعه از خانواده های سالم و استوار به عنوان یکی از مهمترین اهداف آن جامعه سیاسی مطرح می گردد. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. پژوهش های جامعه شناختی نشان می دهد که تغییر جوامع ماهیت خانواده را تغییر داده است، لذا نمی توان از خانواده به عنوان یک امر تغییر ناپذیر و ایستا صحبت کرد. دگرگونی در خانواده موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیستی تک تک انسان ها شده است [۴]. تحولات خانواده گاهی منجر به فرار گیری انسان و جامعه در مسیر سعادت و گاهی منجر به فروپاشی کامل آنان از لحاظ مادی و معنوی شده است. بنابراین شناخت خانواده سهم بسیار عظیمی در شناخت جامعه خواهد داشت.

۲-۱. مفهوم خانواده

تاکنون تعاریف گوناگونی از سوی جامعه شناسان برای خانواده ارائه شده است که عموماً براساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و است. به عنوان مثال گیدنز معتقد است خانواده گروهی از افراد که با پیوندهای خونی، ازدواج یا فرزند خواندگی با یکدیگر مربوط بوده، یک واحد اقتصادی را تشکیل می دهند و اعضای بزرگسال آن مسئول پرورش کودکان هستند. همه ی جوامع شناخته شده شکلی از نظام خانواده دارند؛ اگر چه ماهیت روابط بسیار متغیر است. هر چند در جوامع امروزی شکل اصلی خانواده، خانواده ی هسته ای است اما انواع روابط خانوادگی گسترده نیز یافت می شود [۵]. این تعریف گرچه تا حدود زیادی توانسته است هرآنچه که از خانواده به ویژه در زمینه مادی و ساختار شکلی خانواده انتظار است بیان نماید اما اشکال و ایراد اصلی وارد به آن همانند سایر تعاریف ارائه شده از خانواده، مفقود بودن عوامل معنوی و روانی همچون محبت، ایثار و... در خانواده می باشد.

در تعریفی دیگری که از خانواده ارائه شده است، خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترک پدید می آورند و در واحدی خاص زندگی می کنند [۶]. نکته متمایز این تعریف نسبت به سایر تعاریف ارائه شده از خانواده لازمه وجود مسکنی واحد برای شکل گیری خانواده است. نکته ای که لازم است به این تعریف الحاق گردد آن است که پیوند زناشویی شکل دهنده خانواده باید مبتنی بر موازین شرعی باشد تا آثار ابتدایی یک زندگی زناشویی و خانوادگی موفق جهت دوام هرچه بیشتر آن بر آن بار نمود. بنابراین در مجموع بایستی گفت که در تعاریف ارائه شده از خانواده از سوی اندیشمندان تاکید آنان برای عوامل و عناصر مادی از خانواده است و عوامل روانی نظیر عشق و ایثار و... که سهم بزرگی در ایجاد خانواده ها و تحکیم بخشی به آنان دارد نیز غفلت شده است. همچنین نکته ای دیگر آن است که ماهیت و چیستی خانواده و چرایی تشکیل خانواده در تعاریف ارائه شده از خانواده همچنان عنصر مفقوده ای است که باید به آن توجه نمود.

۲-۲. جایگاه خانواده در نظام سیاسی اسلامی و لیبرالی

در جهان امروز، ساختار خانواده در معرض تحولاتی قرار گرفته که از مهمترین آنها می توان به افزایش آمار طلاق، کاهش میزان ازدواج، افزایش ازدواج های خارج از چارچوب شرعی و قانونی، افزایش سقط جنین و... اشاره کرد. به طور کلی، دو قرائت از وضعیت خانواده در جهان و تحولات صورت گرفته در آن وجود دارد؛ در قرائت اول، تغییر ساختارها و کارکرد های خانواده، به عنوان نشانی از فروپاشی و بحران در خانواده معاصر تلقی می گردد، در حالی که در قرائت دوم، تغییرات صورت گرفته در خانواده متداول، به نفع تکثر اشکال خانوادگی و امری مطلوب فرض گرفته می شود. در بسیاری از کشورهای جهان نظیر، سوئد، ژاپن، دانمارک، آمریکا و... قوانین و سیاست های متعددی در راستای پذیرش رویکرد دوم وضع شده است که به شرایط بحرانی خانواده در این کشورها دامن زده است [۷]. این شرایط سبب گسترش خانواده های جعلی و به رسمیت شناخته شدن آن ها از سوی دولت های حاکم گردیده است. دلیل این مدعا رسمی و قانونی شدن ازدواج همجنس بازان و حتی اختیار پذیرش و حضانت فرزند به آن ها می باشد. در این حالت آنچه که قطعی است فروپاشی روز افزون نهاد خانواده می باشد.

خانواده به دلیل دارا بودن ماهیتی دو سویه، ضمن باز تولید ارزش های درونی خود بی تردید از عناصر بیرونی نیز تاثیر پذیرفته و بواسطه همین حیات غیر قابل انکار خود در نظام های سیاسی مختلف با شیوه های گوناگونی با این موجودیت اجتماعی تعامل صورت می گیرد [۸]. دولت با ایفای وظیفه حمایتی خود از خانواده به شیوه ای صحیح این نهاد را بیش از پیش مستحکم سازند یا آنکه می توانند با بی تفاوتی نسبت به خانواده آن را به حال خود واگذاشته و بر فرد گرایی تکیه زند.

در نگرش لیبرالی جایگاه اصلی از آن فرد است. عقاید مکتب لیبرالیسم بر مبنای آزادی فردی، سود پرستی انسان و آزادی مطلق کسب و کار بنا شده است [۹]. دولت های غربی نظیر بریتانیا عموماً با پیروی از اندیشه های لیبرالی دولتی تحت عنوان دولت حداقلی یا دولت ژاندارم ایجاد نمودند. دولت حداقلی یا دولت ژاندارم، دولتی است که فعالیت های آن را محدود به انجام اختیارات حاکمیتی یعنی اختیارات قانون گذاری، اجرایی و دادگستری می باشد. دولت ژاندارم که با نگرش لیبرالی نقش دولت مطابقت دارد باید دولتی بی طرف و نقش آن عمدتاً حفظ نظم عمومی باشد. دولت نباید در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دخالت کند. لذا آنچه که متوجه شدیم در نوع نگرش لیبرالی فرد حائز اهمیت است نه خانواده. شرایط ایجاد شده از سوی دولت و شکست اندیشه های لیبرالی سبب شد که نوع جدیدی از دولت به نام دولت های رفاه پدید آید [۱۰].

ناکار آمدی لیبرالیسم به ویژه در حوزه خانواده، اندیشمندان غربی را بر آن داشت جهت تنظیم هرچه بهتر روابط اقتصادی و اجتماعی اقدام به ایجاد دولت های رفاه نمایند. در دولت های رفاه عمدتاً جهت حمایت از خانواده اقدام به پرداختن کمک هزینه هایی نظیر کمک هزینه خانواده، کمک هزینه بارداری، اعطای مرخصی به والدین جهت مراقبت از کودکان، برخی معافیت های مالیاتی و... می باشد. دو موضوع روند حمایت از خانواده در دولت های رفاه را با چالشی جدی مواجه می ساخت؛ اول اینکه نیاز به تطبیق کمک هزینه ها وجود داشت تا خانواده ها بهتر مورد حمایت قرار گیرند و چون خانواده ها دستخوش تغییرات زیادی شده بودند برای برآورده ساختن نیاز های آنان تعدیلاتی مورد نیاز بود. از طرف دیگر محدودیت های بودجه ای وجود داشت که این محدودیت ها بسط و گسترش سیستم حمایت دولتی از خانواده را محدود می ساخت [۱۱]. علاوه بر این مجاز دانستن سقط جنین از یک سو و قانونی شدن عمل همجنسگرایی در بسیاری از کشور عملاً اراده کشورهای مبتنی بر دولت رفاه در حمایت از خانواده با چالشی جدی روبه رو ساخته است.

در نگاه مقابل اسلام با نگاهی کاملاً متفاوت از نگاه لیبرالی به خانواده نیز می نگرد. از نظر اسلام خانواده یک رکن بزرگ است که اگر سالم باشد و نسبت به آن تربیت درست صورت گیرد در پیشرفت جامعه به صورتی که اسلام می خواهد تاثیر زیادی

دولت بلاتانیای دلا لاریل سال ۲۰۱۴ میلادی اعلام نمود که ازدواج همجنس بازان در این کشور قانونی است و آنان نیز از کلیه حقوق مرتبط با خانواده بهره مند خواهند شد.

دارد [۱۲]. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت، مهد مودت و رحمت بر می شمارد، لذا سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می داند و هدف از تشکیل خانواده را تامین نیازهای مادی، معنوی و عاطفی انسان از جمله دستیابی به سکون آرامش بر می شمرد. تفاوت در قوانین اسلامی و قوانین غیراسلامی در باب خانواده آن است که اساس قوانین اسلامی مصالح و مفاسد واقعی بشر است و واضع آن قوانین خداوند متعال است. لذا دستخوش تحولات و تطورات امور مختلف قرار نمی گیرد، در حالی که قوانین و حقوق سکولاریستی در غرب متکی بر اومانیزم و انسان محوری است و با تعریف خاص از انسان و جهان پیوند خورده است و تنها جنبه مادی و این جهانی را در نظر دارد و نه سعادت همه جانب انسان ها را که تواما سعادت دنیا و آخرت باشد [۱۳]. نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر که قصد هم زیستی زیر یک سقف را دارند نیست. قرآن، خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می بیند و بالقوه آن را یک مجموعه ی متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه ریزی می کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می نماید.

۳. عملکرد جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در حمایت از خانواده پیش از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و حاکمیت تفکر دینی، خانواده برای حکومت اهمیت مضاعفی یافت و از سوی دیگر خانواده های مسلمان به جهت سلامت فضای اجتماعی و باور به این که دولت اسلامی متولی اسلامی سازی جامعه می باشد، رسالت های بی شمار خود را به صورت مرئی و نامرئی به حکومت سپرد. نتیجه این دو امر آن شد که حکومت متولی بسیاری از سیاست های ذاتی خانواده گردید [۱۴]. دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن پاسخ مثبت به این درخواست موضوع حمایت از خانواده را در مهمترین قانون یعنی قانون اساسی قرار داد تا بر اهمیت غیر قابل انکار خانواده برای جامعه اسلامی صحه بگذارد. اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بایستی قلب قوانین کشور در زمینه حمایت از خانواده دانست. همچنین جمهوری اسلامی ایران با پیروی از اندیشه های اسلامی تلاش نمود تا ضمن احیای حقوق مادی و معنوی بانوان، بر اهمیت نقش مادری آنان در تحکیم مبانی خانواده و همچنین پیشرفت جامعه در سیاست های کلان و اصول متعدد قانون اساسی به ویژه در اصل ۲۱ قانون اساسی منعکس نماید.

دولت کارگری که سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) در انگلستان قدرت را در اختیار گرفت دارای نقش عمده ای در حمایت از کودکان و تغییر سیاست های حمایتی خانواده می باشد. سیاست بازگشت کودکان به حالت رفاه به عنوان قلب پروژه های دولت کارگری راجع به کودکان محسوب می شد. در این سیاست هایی که از سوی دولت کارگری اعمال می شد دو عنصر کلیدی وجود داشت؛ نخست آگاهی از خطراتی که برای کودکان وجود دارد و دیگری آگاهی یافتن از خدمات زیربنایی مهم اجتماعی که تاثیر بسزایی در سرنوشت کودکان دارد. این دولت، ایجاد یک محیط امن را به جای حفاظت از کودکان^۶ در دستور کار خود

۶. ۱۰ قانون ملین «زانتا بلا خطه واده بنیا بن جمعه ملایه شه هه قلیه مورات و برنله رین جلا مو طبله درجه لیا کزن تشکله خطه ه ۶ پامله یازقه شه نآ و لوی ی وله خواجی بد پله حقه و لخل ملایه باشد»

۷. ۲۱ قانون ملین ج! «قولا مینظ متله حقه ن را درتمله جلتا بله واین ملایه تضنه نملیه و لوریزه رانجمله هه ایله دزمیه جلا مسله ۷ بد ی شه شخصیه ن و لجا حقه ط بن و معنیه یا حملیه ط درن بالخصه ص درو رنایا لای و حضنه فون و حملیه از کو دکای، سرپوشه ۴ ایله دداگا صلح بد ی خطه کتا و بقا خطه ۴ ایله دیمه خاص بیوگا زنا سالوه ه ه، سرپوشه ۵ لعله قیمومه م ط درن شایسته درجه غبطه آنله درصو تنو ن جلا شه»

^۶Safe guarding

^۷Child protection

قرار داد که این امر منجر به این شد که در انگلستان توجه زیادی بر توسعه حمایت از والدین در قرن ۲۱ به وجود آید [۳]. این دولت در واقع همراه با سایر موج های سیاسی فراگیر در اروپا در استفاده از سیاست های دولت رفاه برای بهبود وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خویش، اقدام به به کارگیری این سیاست ها به طور تدریجی برای تغییر شرایط و اوضاع اجتماعی به ویژه در زمینه خانواده نمود. به همین منظور در این قسمت به منظور آگاهی بیشتر نخست به بررسی مهمترین سیاست و قوانین وضع شده در کشور های هدف تا پیش از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) و سپس به بررسی مهمترین اقدامات اجرایی تا پیش از سال مورد اشاره پرداخته خواهد شد.

۳-۱. سیاست ها و قواعد

در جمهوری اسلامی ایران عمده موضوعات سیاست ها و قوانین وضع شده در حوزه خانواده تا پیش از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) در رابطه با خانواده های معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران بود یا به ایجاد تشکیلات اداری و تنظیم سازمان های اداری نظیر قانون خدمت نیمه وقت بانوان که وظایفی یا موضوعاتی مرتبط با زنان و خانواده داشتند، می پرداخت. اما پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع فصلی جدید در کشور قوانین و سیاست های متنوعی در ارتباط با موضوع خانواده و یا هر یک از ارکان آن نیز وضع گردید.

از مهمترین سیاست ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران در حمایت از خانواده می توان به قوانین برنامه های توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی کشور اشاره کرد، اما بایستی در نظر داشت که میزان توجه و حمایت هر برنامه از خانواده نسبت به برنامه دیگر متفاوت است. آنچه در تمامی این برنامه ها به چشم می خورد فقدان مفهومی عملیاتی از تحکیم نهاد خانواده است. به عبارت دیگر مشخص نیست به راستی برنامه نویسان چه مفهومی از تحکیم خانواده را مدنظر داشته اند و وقتی از آن سخن می گویند از چه شاخصهایی صحبت به میان می آید [۲].

اما مهمترین قانون که آثار و تبعات آن نه تنها تاکنون از بین نرفته است بلکه به شکل روز افزونی در حال افزایش است قانون تنظیم خانواده و جمعیت که همسو با «سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت» بود، در مورخه ۱۳۷۲/۰۲/۲۶ به تصویب رسید. ماده یک این قانون مقرر می داشت: «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی و وضع شده‌اند در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندی که تا تاریخ مزبور متولد می‌شوند کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می‌باشند.» این قانون که استدلال تصویب آن در آن دوران بر این اصل استوار بود، به دلیل آنکه کشور هنوز درگیر آثار ناشی از جنگ تحمیلی است و افزایش تعداد فرزندان مانع از خدمت رسانی به مردم می‌شوند لذا نرخ رشد جمعیت بایستی کاهش یابد. آنچه که در عرصه عمل رخ داد و برخلاف پیش‌بینی‌ها مقرر نرخ رشد جمعیت در کشور از پیش‌بینی قانون برنامه اول توسعه (در این قانون پیش‌بینی شده بود، نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۹۰ به ۲/۳ خواهد رسید) که این امر در سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ کاهش یافت.

شاید بتوان مهمترین قانون که زمینه را جهت تحقق اهداف اصل ۱۰ قانون اساسی فراهم می‌نماید، قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) دانست. این قانون در ماده یک خود بیان می‌کند به منظور توانمند سازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید و... آئین نامه اجرایی این قانون می‌بایستی پس از تصویب اساسنامه صندوق توسط مجلس شورای اسلامی، ظرف مدت سه ماه توسط دولت تهیه و به تصویب هیأت

وزیران میرسد(ماده ۱۱ قانون تسهیل ازدواج جوانان) که این کار صورت پذیرفته است و امکان اجرای این قانون در عرصه عمل وجود ندارد.

از جمله سیاست ها و برنامه های مهم کشور انگلستان درباره حمایت از خانواده پیش از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) پروژه خانواده های داندی بود. این پروژه در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) در ابتدا توسط شورای شهر داندی در جهت بهبود وضعیت کودکان اسکاتلندی صورت پذیرفت. این برنامه خانواده هایی را که بی خانمان هستند یا به صورت جدی امکان بی خانمان شدن را به علت رفتار های ضد اجتماعی دارند با هدف جلوگیری از وقوع جرم و از هم پاشیده شدن خانواده کمک می نمود. فلسفه وجودی این برنامه به علت مشکلاتی بود که این خانواده ها برای همسایگان خود ایجاد کرده بودند. این برنامه به دلیل محتوای مناسب، برای اجرا در سراسر کشور توسط دولت در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) به عنوان برنامه هدف (در رابطه با حمایت از خانواده) تعیین شد و مورد استقبال شدید مقامات محلی قرار گرفت. به نحوی که ۵۳ پروژه در طول آن در سراسر انگلستان پدید آمد. از این برنامه گاهی اوقات با اسامی دیگری همچون پروژه های مداخله در خانواده یا پروژه های بهبود خانواده یاد می شود [۱۵]. علاوه بر این پیش نویس قانون «مشکلات هر کودک» در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) به چاچ رسیده که اهداف اصلی آن در «قانون کودکان» سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) منعکس شد [۳]. این پیش نویس قانون به دنبال آشکار کردن ایراداتی بود که در سیستم حفاظت از کودکان وجود داشت، اما بسیار گسترده تر عمل کرد و کلیه موضوعاتی که به کودکان مرتبط بود در آن مطرح گردید و به سر فصل های مهم برای کودکان از جمله تندرستی، ایمن ماندن، ایجاد کمک های مثبت و رفاه اقتصادی اشاره گردید. این توصیف مثبت در تقابل با دیدگاه هایی مثل شکست تحصیلی، نقص سلامت، سو استفاده جنسی و جرم و رفتار های ضد اجتماعی است که بایستی از آن ها پرهیز کرد [۱۶].

۲-۳. اقدامات

مهمترین برنامه دولت کارگری را در سال های بین ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) در رابطه با حمایت از خانواده، «برنامه های احترام مداخله در خانواده» بود که از یک طرح دولتی به نام «طرح ایجاد احترام» به وجود آمد. «برنامه های احترام

^۱Dundee Families Project

^۲Family intervention projects

^۳Family recovery projects

^۴Green paper Every Child Matters

^۵Child Act

^۶Healthy

^۷Staying safe

^۸Making a positive contribution

^۹Educational failure

^{۱۰}Ill health

^{۱۱}Abuse and neglect

^{۱۲}Crime and anti-social behavior

^{۱۳}Respect Family Intervention Projects (2006-2010)

۲ مداخله در خانواده» که بیشتر با نام «برنامه های مداخله در خانواده» از آن یاد می شود، در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) جهت مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی صورت گرفت. این برنامه از مجموع شش برنامه مقامات محلی نشأت می گرفت که برنامه مداخله در خانواده را هم در خود جای می داد، برای مقابله با رفتار خانواده های دارای مشکل با رویکردی جدید به حمایت از این خانواده ها جهت تغییر رفتار آنان و پشتیبانی از آنان از طریق اقدامات اجرایی پرداخت [۱۷]. این برنامه سبب تغییر نگرش در سیاست ها برای مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی شد. این تغییر سبب شد که به جای سرمایه گذاری بر مناطق محروم بر روی هدفی تمرکز نماید که از آن به عنوان مشکل خانواده یاد می شود. برنامه احترام سبب ایجاد یک شبکه ملی از برنامه های مداخله در خانواده شد. «برنامه های احترام مداخله در خانواده» حمایت های زیادی برای خانواده های آسیب پذیر ارائه می نمود، به خصوص در رابطه با کسانی که با اقدامات قانونی نظیر اخراج یا کسانی که به علت بیکاری طولانی مدت با فقر رو به رو شده بودند.

رسیدن به اهداف، سیاست ها و قواعد وضع شده در زمینه حمایت از خانواده نیازمند اقدامات اجرایی از طرف دولت است. اقدامات قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از خانواده بیشتر با تاکید بر نقش زنان در خانواده و حمایت از آنان در عرصه مختلف اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد. این اقدامات در غالب عملکرد دستگاه های اجرایی تعریف می شود. این دستگاه ها در حقیقت وابسته به دولت هستند و بخشی از بدنه دولت را نیز تشکیل می دهند. پیدایش دستگاه های اجرایی خاص حوزه زنان و خانواده حاصل یک روند تکاملی به ویژه بعد از پایان جنگ تحمیلی در جمهوری اسلامی ایران بوده است. اولین دستگاه اجرایی که در حوزه حمایت از زنان و خانواده پدید آمد، دفتر امور زنان (۱۳۷۶-۱۳۷۰) بود که به عنوان یکی از زیر مجموعه های ریاست جمهوری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد شد. از مهمترین وظایف این دفتر تسهیل اجرای سیاست های مرتبط با مسائل زنان، تهیه برنامه های عملی برای اتصال حلقه سیاستگذاری به حلقه اجرا، تحکیم بنیان خانواده و... بود. دفتر امور زنان ریاست جمهوری با تمام انتقادات وارده به آن به عنوان نخستین مرکز رسمی پس از انقلاب اسلامی محسوب میشود که هدف تخصصی آن احیای حقوق یکی از ارکان مهم خانواده یعنی بانوان بود گرچه میزان موفقیت آن در دستیابی به اهداف تعریف شده برای آن نیز پایین بود.

با پایان یافتن دولت سازندگی و آغاز به کار دولت بعدی موسوم به دولت اصلاحات، دفتر امور زنان جای خود را به مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۴-۱۳۷۶) داد که برای این مرکز وظایف متعددی ترسیم گشت. از جمله این وظایف برقراری ارتباط با کلیه وزارتخانه ها و موسسات ذی ربط در امر سیاستگذاری و برنامه ریزی برای زنان در جهت هماهنگی و اصلاح برنامه های جاری و آینده و هماهنگی بین سازمان های غیر دولتی و ارائه خط مشی های کلی و مشترک برای فعالیت آن ها می باشد [۱۸]. مرکز مشارکت امور زنان برای نخستین بار به عنوان یک نهاد مستقل به موجب ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه ردیف بودجه ای مستقل را به خود نیز اختصاص داد. اما مهمترین انتقاد وارده به مرکز مشارکت امور زنان آن است که هدف اصلی این مرکز در حوزه اصل ۲۱ قانون اساسی تعریف شده بود و برنامه ای در جهت بهبود وضعیت خانواده و تحکیم بخشی به آن و حمایت از سایر ارکان خانواده به طور مطلق در شرح وظایف خویش جای نداده بود.

در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) مرکز امور مشارکت زنان به مرکز امور زنان و خانواده (۱۳۹۲-۱۳۸۴) تبدیل گشت. یکی از اهداف این مرکز تحکیم بنیان خانواده به عنوان مناسب ترین بستر رشد و تعالی انسان های شایسته و متعالی و کانون مهر و عاطفه به منظور بقای سلامت و اخلاق در جامعه می باشد. از مهمترین وظایفی که این مرکز برعهده داشت می توان به موظف شدن این مرکز به ارائه و پیگیری طرح ها و لوایح حقوقی به مراجع ذی ربط با هدف تقویت نهاد خانواده، اصلاح امور حقوقی و قضایی و ارتقا ساختار و تشکیلات مربوط با امور زنان و خانواده اشاره کرد [۱۹]. تغییر ساختاری دیگری که در دستگاه های اجرایی

*Respect Action Plan

*Family Intervention Projects

حمایت کننده از زنان و خانواده رخ داد، تبدیل مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بود. در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) با توجه به تعدد و کثرت برنامه های تدوین شده و ضرورت وجود ضمانت اجرایی قوی و ارتقای همسویی راهبردی در سطح نهاد های سیاست گذاری و راهبری امور زنان و خانواده، پیشنهاد ارتقای مرکز به معاونت ریاست جمهوری ارائه شد، لذا ساختار جدید معاونت امور زنان و خانواده نیز طراحی و به تایید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور رسید [۲۰]. معاونت امور زنان و خانواده به موجب بند «ط» تبصره «۱۹» ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ که هر ساله در بودجه سنواتی ذکر می شود، اجازه می یافت تا فعالیت های اجرایی خود را در راستای تحقق اهداف و سیاست های مورد نظر از طریق دستگاه های اجرایی در چارچوب تفاهمنامه فی مابین از محل اعتبارات پیش بینی شده مربوط به خود را در این قانون (بودجه) به انجام برساند. لازم به ذکر است این بند ماهیت بودجه ای نداشته و حضور آن در بودجه سنواتی صرفاً زمینه ساز همکاری دستگاه ها با معاونت امور زنان و خانواده به عنوان نهاد فرابخشی می باشد [۲۱]. اگرچه این اختیار قانونی در قانون بودجه سال ۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید اما به دلیل آنکه در قوانین و مقررات جاری کشور هیچگونه الزامی برای سایر دستگاه ها جهت همکاری با معاونت امور زنان و خانواده جهت اجرای ماده قانونی وجود ندارد، امکان استفاده و بهره مندی از آن در عرصه عمل وجود ندارد.

از مهمترین تغییراتی که در ساختار نهاد های حمایتی خانواده در جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفت، تبدیل کارگروه ملی زن و خانواده به ستاد ملی زن و خانواده می باشد. در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) آیین نامه ستاد ملی زن و خانواده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین گشت و در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) به کلیه دستگاه های اجرایی ابلاغ گشت. به موجب ماده یک این آیین نامه، ستاد به منظور تحقق اصول ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی ایجاد شده است. ریاست این شورا برعهده رئیس جمهور می باشد و نائب رئیس شورا معاون اول رئیس جمهور و دبیر شورا رئیس مرکز امور زنان و خانواده (معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) می باشد. از جمله وظایف ستاد تنظیم سیاست های اجرایی، راهبردها و آیین نامه های اجرایی به منظور تحقق سیاست ها، دستورات و اوامر مقام معظم رهبری، سیاست های کلان نظام مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی در موضوع زن و خانواده می باشد. براساس ماده سه آیین نامه ستاد، «مصوبات ستاد براساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی و طبق مجوز هیات وزیران لازم الاجرا است و کلیه دستگاه ها و سازمان ها موظفند براساس مصوبات ستاد اقدام و نتایج آن را به ستاد گزارش نمایند. [۲۲]. اگرچه هدف از ایجاد ستاد ملی زن و خانواده ایجاد یک مرکز هماهنگی در امور زنان و خانواده می باشد اما این مرکز کاملاً یک نهاد موازی با شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده می باشد. لذا یکی از اموری که منجر به کند تصمیم گیری در امور خانواده در جهت بهبود آن می گردد تعدد مراکز تصمیم گیر و تصمیم ساز در حد کلان می باشد و به نظر می رسد که میان شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده یا ستاد ملی زن و خانواده یکی را انتخاب نمود یا آنکه اگر مقصود حفظ هر دوی آنان می باشد به بازنگری در آیین نامه آن ها جهت بهبود در کارایی آنان پرداخت.

از مهمترین اقدامات دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران طرح بیمه اجتماعی زنان خانه دار محسوب می شد. در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) وزارت رفاه مامور پیگیری اجرای این طرح شد و در نهایت طرح بیمه زنان خانه دار در قالب بیمه «حرف و مشاغل آزاد» در هیئت مدیره تامین اجتماعی تصویب و طی بخشنامه ای برای واحد های اجرایی این سازمان ابلاغ گردید. زنان خانه دار از سال ۱۳۸۷ در صورت تمایل می توانند به صورت خود اظهاری با عنوان خانه دار و با انعقاد قرارداد با پرداخت حق بیمه مقرر از تعهدات قانونی این سازمان برخوردار شوند. این طرح اگرچه گام مثبتی در جهت اعتلای حقوق زنان و حمایت از زنان

ماده یک «آیین نامه تشکیل ستاد ملی زن و خانواده»: «به منظور تحقق اصول دهم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ستاد ملی زن و خانواده که در این آیین نامه به اختصار ستاد نامیده می شود، با هدف تقویت و تحکیم نهاد مقدس خانواده و پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و حفظ و ارتقای جایگاه زنان در تراز جمهوری اسلامی ایران با ترکیب ذیل تشکیل می شود و.....»

به ویژه زنان خانه دار می باشد اما خالی از اشکال نیست. از جمله اشکالات وارده به این طرح را می توان در این دانست که با توجه به قوانین موجود در کشور نمی توان خانه داری را شغل محسوب نمود. از طرف دیگر زنان خانه دار به دلیل آنکه فاقد درآمد مالی مستقل از شوهر خود می باشند پرداخت این حق بیمه از سوی آنان دشوار است [۲۳]. گرچه این طرح به نوبه خود اقدامی مثبت تلقی می شود اما از جمله اشکالات وارده به این طرح بالا بودن حق بیمه به علت تبعیت از حداقل دستمزد سال و پایین بودن میزان مشارکت دولت در پرداخت این حق بیمه و... به عواملی سبب گشته است که از این طرح در میان زنانه خانه در چندان مورد استقبال قرار نگیرد.

از اقدامات اجرایی دولت کارگری ایجاد نهاد ملی «خانواده و والدین» در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) به عنوان یک نهاد خیریه ای مستقل بود. این نهاد با هدف آنکه به یک مرکز تخصصی [در امور خانواده] تبدیل شود تا دولت، مقامات رسمی و سازمان های غیر دولتی جهت توصیه دادن به والدین از آن استفاده نمایند ایجاد شد [۲۴]. ایجاد شبکه های اطلاع رسانی وسیع برای کمک به والدین در امور خانواده، ارائه برنامه های آموزشی به والدین که اکثر آنها توسط مراکز غیر دولتی، مدارس یا مراکز سلامتی ارائه می شود، ایجاد تعدادی برنامه های مداخله گر در خانواده هایی که کودکان آن ها در معرض خطر هستند یا امکان دارد که در معرض خطر قرار گیرند، پدید آوردن دستورالعمل هایی به موجب قانون اختلالات و جرم ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) که به بیان رفتار مناسب والدین در محیط های قضایی می پرداخت، از مهمترین اقدامات دولت کارگری تا پیش از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) بود [۳]. بنابراین بایستی گفت که عملکرد های دولت های جمهوری اسلامی ایران و انگلستان تا پیش از سال ۱۳۸۹ اگرچه ضعیف بوده است، اما این حرکت با روند صعودی همراه بوده است. لکن مهمترین ایراد و اشکالی که به دولت جمهوری اسلامی ایران وارد می شود فقدان برنامه مشخص و واحد است. از طرف دیگر کم توجهی قوه مجریه دولت جمهوری اسلامی ایران به اندک قوانین مناسب نظیر قانون تسهیل ازدواج جوانان از دیگر ضعف های این کشور می باشد. همچنین در دولت انگلستان اگرچه پس از روی کار آمدن دولت کارگری روند مناسبی به سمت بهبود وضعیت خانواده ها از طریق سیاستگذاری شکل گرفت، لکن به دلیل مبهم بودن این برنامه ها در اینکه چگونه حمایت از خانواده بایستی محقق گردد و از همه مهمتر ضعف شدید در اجرای برنامه ها نتوانست آثار خود را نمایان کند.

۴. عملکرد ایران و انگلستان در حمایت از خانواده از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) دولت جمهوری اسلامی ایران و انگلستان علاوه بر انجام اقدامات معمول و متداول برای حمایت از خانواده، به منظور حمایت هرچه بیشتر از آن سیاست گذاری های کلان خود را بر پایه ایجاد برنامه های جامع حمایت کننده از خانواده نیز قرار دادند. این سیاست ها در جمهوری اسلامی ایران در قالب «قانون برنامه پنجم توسعه (ماده ۲۳۰)» و «برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده» و در انگلستان که با روی کار آمدن دولت ائتلافی (در سال ۲۰۱۰) موضوع حمایت از خانواده اهمیت ویژه تری یافته بود، با تدوین «برنامه خانواده های دارای مشکل» و «برنامه خانواده های دارای مشکلات متعدد» در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور در این قسمت نخست به بررسی «قانون برنامه پنجم توسعه» و «برنامه خانواده های دارای مشکل» و سپس به بررسی «برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده» و «برنامه خانواده دارای مشکلات متعدد» پرداخته خواهد شد.

^۲National Family and Parenting Institute

^۳Crime and Disorder Act 1998

مرکز نمی باشد. ثالثاً، این برنامه جامع فقدان ضمانت اجراهای کافی جهت برخورد با دستگاه های اجرایی بود که از اجرای این برنامه ممانعت می ورزیدند.

از زمانی که دولت کارگری در سال ۲۰۱۰ قدرت را ترک کرد و جای خود را به دولت ائتلافی داد، این دولت سعی کرد که اقداماتی که از دولت قبل ناتمام مانده است را ادامه دهد [۳]. دولت ائتلافی در [انگلستان] معتقد بود که سیستم ها و خدمات موجود در رابطه با خانواده بسیار پیچیده هستند و اغلب این امر موجب عدم هماهنگی و پاسخ های نامناسب به نیازها و خواسته های چندگانه می شد [۳۰]. این امر سبب شد که دولت انگلستان در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) روی به ایجاد و تدوین برنامه خانوادهای دارای مشکل نماید. «برنامه خانواده های دارای مشکل» اولین برنامه ملی است که با رویکردی سیستماتیک به عنوان محرکی واقعی در جهت ایجاد تغییر واقعی در خانواده هایی که دارای مشکلات متعدد هستند و برای تغییر خدماتی که پیش از این ارائه می شد، محسوب گردد [۳۱]. این برنامه توسط اداره کل امور اجتماعات و دولت های محلی اجرا می شد و صرفاً کشور انگلستان را تحت پوشش قرار می داد [۳۲]. در مرداد ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) پیرو برخی آشوب ها و اغتشاشاتی که در برخی از مناطق انگلستان رخ داد، نخست وزیر انگلستان از آغاز برنامه ای سخن می گفت که منجر به ایجاد بهبود وضعیت ۱۲۰ هزار نفر از خانواده ها در انگلستان تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) می شد [۳۳]. منطقی که باعث شد «برنامه خانواده های دارای مشکل» آغاز شود آن بود که دولت ادعا می نمود که مشکلات این ۱۲۰ هزار خانواده سبب شده است که دولت از نه میلیارد پوندی که از هزینه های عمومی به آنان اختصاص می دهد، هشت میلیارد پوند از این مبلغ صرف واکنش به مشکلات این خانواده ها شود و تنها یک میلیارد پوند از این مبلغ صرف پیشگیری از مشکلات در مقطع اولیه آن شود [۳۴]. «برنامه خانواده های دارای مشکل» توسط لوئیز کیسی و تحت نظارت دبیر اداره کل امور اجتماعات و دولت های محلی در فروردین ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) با بودجه ای بالغ بر ۴۴۸ میلیون پوند که از مجموع بودجه های وزارت خانه ها و ادارات دولتی به دست می آمد جهت بهبود زندگی این ۱۲۰ هزار خانواده آغاز گردد. برآورد این ۱۲۰ هزار خانواده از آن جا بود که دولت در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۴) برآورد کرد که ۱۲۰ هزار خانواده در انگلستان هستند که با مشکلاتی نظیر بیکاری یا حاشیه نشینی روبه رو هستند، اگرچه متعاقباً مشکلاتی دیگر نظیر جرم یا رفتارهای ضد اجتماعی به این مشکلات اضافه می گردد. به عبارت بهتر مقصود از مشکل در این برنامه، خانواده هایی بودند که دارای یکی از این مشکلات چهار گانه باشند: ۱- کودکان و نوجوانانی که درگیر جرم و رفتارهای ضد اجتماعی هستند ۲- کودکانی که در مدرسه حضور نمی یابند ۳- بزرگسالانی که فاقد شغل هستند ۴- مسائلی که باعث بالا رفتن هزینه های عمومی برای پرداخت کنندگان مالیات می شود. خانواده هایی که دارای سه از چهار مشکل بالا باشند به صورت خودکار وارد برنامه می شوند اما در سایر موارد بایستی خانواده ها خود تمایل خود را برای حضور در این برنامه اعلام نمایند [۳۵].

همه ۱۵۲ مقام بلند پایه محلی در انگلستان در راستای رسیدن این برنامه به هدف خود (یعنی بهبود وضعیت خانواده هایی که دارای مشکلات متعدد هستند) بایستی خانواده های دارای مشکل را در انگلستان شناسایی و سپس اقدام به بهبود زندگی آنان هنگامی که با چنین خانواده هایی رو به رو گشتند، مینمودند [۳۶]. اداره کل امور اجتماعی و حکومت های محلی ۳۹٪، اداره کل کار و بازنشستگان ۵٪، وزارت دادگستری ۹٫۶٪، اداره کل آموزش ۲۰٪، وزارت کشور ۱۷٪، اداره کل بهداشت ۱۴٪.

^۳Turn around

^۴Louise Casey

^۵Department for Communities and Local Government(DCLG)

^۶Poor Housing

^۷Department for Work and Pensions(DWP)

^۸Ministry of Justice

^۹Department for Education(DFE)

از بودجه این برنامه را تامین می نمایند. همچنین بایستی ۱۵۲ مقامات عالی رتبه محلی و دیگر دستگاه های عمومی محلی ۶۰۰ میلیون پوند از منابع خود را جهت مشارکت در این برنامه به اداره کل امور اجتماعی و حکومت های محلی تقدیم نمایند. نکته جالب توجه آن است که اداره مذکور هیچگونه ضمانت اجرایی جهت الزام مقامات محلی به این کار ندارد [۳۷]. در صورتی که مقامات محلی در راستای بهبود زندگی خانواده ها موفق عمل نمایند، ۴۰۰۰ پوند بابت موفقیت آنان به ازای هر خانواده از سوی دولت (اداره کل امور اجتماعات و حکومت های محلی) تحت چارچوب پرداخت به واسطه هزینه به آنان پرداخت می گردد [۱۵]. جهت اجرای این برنامه پنج روش ترسیم شده است که عبارتند از: ۱- یک کارمند اختصاصی، اختصاص داده شده به خانواده ۲- حمایت کاربردی مداوم ۳- یک روش مداوم، قطعی و چالشی ۴- توجه به خانواده به عنوان یک مجموعه، جمع آوری اطلاعات ۵- یک هدف مشترک و اعمال موافق و یکسان می باشد. کارمند اختصاصی که به خانواده های دارای مشکل اختصاص می یابد یکی از مهمترین روش های اجرایی این برنامه می باشد. شواهد نشان می دهد که بسیاری از موفقیت های کار مداخله در خانواده ها بستگی به مهارت های فردی کارگران دارد. این کارمند اقداماتی را در جهت مقابله با فعالیت ها و خدمات پراکنده ای که از سوی بسیاری از سازمان های مختلف به خانواده های دارای مشکل ارائه می شود انجام می دهد و نسبت به خانواده ها و مشکلات و اداراتی که آنان را در بر گرفته است نقش واسطه را ایفا می نماید و با درک نیاز همراهی خانواده ها در حل مشکلات شان، اقدام به اتخاذ روش های جدید برای حل مشکلات آنان می نماید. به عنوان مثال در خانواده های که به علت اخراج از کار یا داشتن فرزندی که از مدرسه طرد شده است یا احتمال محاکمه کیفری او وجود دارد، کارمند مداخله در خانواده با این علل با آنان ارتباط پیدا می کند، اگر کارمند بتواند یک تغییر رفتار قابل توجهی در کسانی که درگیر این موضوع هستند بنماید یا بتواند فعالیت اجرایی را متوقف کند، این کار برای خانواده ها آرامش بخش است [۱۵]. سایر راهکارهایی که در این برنامه به عنوان روش های اجرایی از آن یاد شده است از آن ها می توان به عنوان اقداماتی که کارگر مداخله کننده در خانواده بایستی آن ها را هنگام برخورد با خانواده های دارای مشکل رعایت نماید نام برد و روش اجرایی مشخصی که با استفاده از آن به صورت مستقل منجر به بهبود وضعیت خانواده های دارای مشکل شود محسوب نمی گردد. بیشترین تاکید روش های تصریح شده در این برنامه برای مداخله در خانواده های دارای مشکل تاکید بر افزایش اعتماد به نفس و تقویت روحیه این خانواده ها در برخورد با مشکلات است که اگرچه لازم است اما کافی نیست. اداره امور اجتماعات و دولت های محلی مدعی شد که توانسته باعث بهبود وضعیت ۱۱۶ و ۵۴ از ۱۱۷ و ۹۱۰ که توسط مقامات محلی شناسایی شده اند و در این برنامه شرکت کرده اند شده است. البته مفهوم بهبود وضعیت در این برنامه گمراه کننده است. تحت این برنامه دستیابی به نتایج کوتاه مدت آسان تر از نتایج بلند مدت می باشد. این ادعا که نتایج به دست آمده بیانگر آن است که وضعیت خانواده ها بهبود یافته است و استفاده از این اصطلاح از سوی اداره کل امور اجتماعات و دولت های محلی برای نشان دادن تاثیری که این برنامه بر خانواده ها داشته است اغراق آمیز می باشد. دولت از ابتدا تخمین می زد که اجرای این برنامه باعث صرفه جویی ۱,۲ میلیارد پوندی از هزینه های عمومی خواهد شد. لکن ارزیابی های مستقل بیانگر آن است که این برنامه تاثیر

^۳Home Office

^۴Department of Health

^۵Payment-by-results model

^۶A dedicated worker, dedicated to a family

^۷Practical 'hands on' support

^۸A persistent, assertive and challenging approach

^۹Considering the family as a whole – gathering the intelligence

^{۱۰}Common purpose and agreed action

قابل توجهی بر اهداف کلیدی آن نداشته است و برآورد صرفه جویی در مخارج عمومی قابل محاسبه نیست [۳۳]. اگرچه مدرکی در رابطه با آثار اصلی «برنامه خانواده های دارای مشکل» با توجه به هدف اصلی برنامه وجود ندارد، اما با توجه به ارزیابی های صورت گرفته می توان آثار مثبت دیگری در این رابطه کشف کرد از جمله: بالا بردن ظرفیت های محلی برای مداخله در خانواده، افزایش مداخله [حمایت گر] در خانواده ها در سراسر کشور، بهبود اقدام مشترک با مراکز کارایی در سطوح محلی می باشد [۳۸]. آنچه که در هر دو برنامه مورد اشاره ملموس و مشخص است آن است که هر دو نظام سیاسی راه حل بهبود وضعیت خانواده های کشور خود را در مواجهه با آسیب های اجتماعی تهیه یک برنامه جامع کلان و انجام اقدامات پیشگیرانه که علاوه بر آنکه سبب بهبود وضعیت خانواده ها به ویژه خانواده های آسیب پذیر که این آسیب پذیری ممکن است به دلیل مشکلات اقتصادی یا به علت مشکلات اجتماعی نظیر بزهکاری های نوجوانان رخ داده، گردد موجب شود تا هزینه های عمومی کاهش یابد. در هر دو برنامه کلیه دستگاه اجرایی مکلف اند تا مجری اصلی برنامه را در جهت رسیدن به اهداف برنامه یاری نمایند. مجری اصلی هر دو برنامه در هر دولت اصلی ترین و تخصصی ترین نهاد دولتی است که علی القاعده بیشترین آشنایی و مواجهه را با مشکلاتی که خانواده های نیز با آن رو به رو می باشند دارد. اما نکته ای که در این رابطه وجود دارد آن است که این نهاد های اجرایی فاقد ضمانت اجرای کافی جهت اجرای واقعی آن برنامه ها می باشند، به عبارت بهتر مقررات گذار می بایست به این نهادها با توجه به این حجم از مسئولیت با قراردادن ضمانت اجرا های کافی و افزایش اختیارات به آنان فرصت می داد که چنانچه نقصانی در راه اجرای این برنامه مشاهده می نمودند بتوانند با ابزار هایی که در اختیار آنان بایستی قرار داده می شد نظیر تذکر، الزام به اجرا و حتی تهدید موقعیت شغلی فرد خاطی با معرفی به مراجع قضایی زمینه های اجرای این برنامه را فراهم نمایند. از طرف دیگر نبود جامعه آماری در هر دو برنامه به چشم می می خورد که در یکی از برنامه ها مطلقاً جامعه آماری ندارد و در برنامه دیگر جامعه آماری ارائه شده از طرف دولت منطبق با واقعیات نیست که این امر خود سبب شود در واقع اجرا کنندگان این برنامه ها ندانند که مشکلات چه کسانی را بایستی مرتفع نمایند.

«برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» اگرچه توانسته بود بسیاری از نیاز های خانواده و علی خصوص بانوانی را که برخوردار از نقش مادری می باشند پیش بینی نماید اما، در حوزه اجرا عملاً نتوانست کاری را از پیش ببرد که این امر به علت کثرت برنامه های اجرایی که در بسیاری از موارد زمینه های موازی کاری را تقویت می نمود و از طرف دیگر عدم لحاظ قرار دادن ردیف بودجه و پیش بینی منابع مالی اجرای این برنامه شکست این برنامه هر چند که از نظر محتوایی و نیاز سنجی به صورتی مناسب عمل کرده بود رقم زده بود. در سوی مقابل «برنامه خانواده های دارای مشکل» در کنار سایر مشکلات بیان شده به علت مشخص و معلوم نبودن جامع هدف این برنامه به صورت عملی و واقعی، عدم ارائه تعریفی مشخص از شرح وظایف دستگاه های مجری این طرح، تاکید افراطی بر استفاده از روش های روانی برای حل مشکلاتی که عمدتاً ریشه در مسائل بیرونی دارند نظیر بیکاری، بلا رفتن هزینه های مالیاتی و... سبب شده است که بسیاری از مشکلات حل نشده باقی بماند و نتیجتاً برنامه به اهداف خود نیز نرسد.

۲-۴. برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و برنامه خانواده های دارای مشکلات متعدد^{۴۶}

با تصویب طرح اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست های تحکیم و تعالی آن در جلسه ۵۶۴ مورخ ۸۴/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیه دستگاه ها و سازمان های اجرایی ذی ربط موظف شدند در جهت اجرای طرح مذکور، آیین نامه ها و دستورالعمل های لازم را تهیه و نسبت به فعالیت های انجام شده سالانه به هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نمایند. برنامه اجرایی این طرح با تاخیری ۷ ساله در نهایت در سال ۱۳۹۱ در جلسه سوم ستاد ملی زن و خانواده

^{۴۶}Families with Multiple Problems programme

به تصویب رسید. هدف غایی سند «برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده»، دستیابی به نهاد مستحکم خانواده بوده و اهداف اختصاصی آن عبارتند از ۱- تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده ۲- صیانت و مراقبت از کيان خانواده و ایمن سازی آن ۳- معرفی خانواده ی تراز و الگوی اسلامی [۲۰]. این برنامه جهت تامین بودجه خود به ارائه راهکارهایی می پردازد. یکی از راهکارهایی که در این خصوص پیشنهاد شده است، اختصاص یافتن یک درصد از اعتبارات هزینه ای دستگاه های اجرایی به امور زنان و خانواده است که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ این موضوع پیش بینی شده بود [۲۰]. «برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده» برای هر یک از محورهای مندرج در این برنامه اقدام به اتخاذ، راهبرد کلان و راهبردهای اجرایی نموده است. در این برنامه ضمن تعیین وظایف هر یک از دستگاه های مسئول در راستای اجرای این برنامه، میزان بودجه و مدت زمانی که بایستی به وظایف خود عمل نمایند مشخص گردیده است. به عنوان نمونه می توان به وظیفه بانک مرکزی به عنوان یکی از دستگاه های مسئول در اجرای این برنامه اشاره نمود. وظیفه بانک مرکزی در جهت اجرای راهبرد کلان محور اقتصادی، افزایش تسهیلات بانکی، رفاهی و مسکن خاص جوانان در آستانه ازدواج، زوج های جوان و خانواده های کم درآمد است. لذا به عنوان یک اقدام ملی بایستی در جهت ایمن سازی خانواده ها به ویژه شرایط خاص بحران های اقتصادی، اقدام به تهیه دستورالعمل «تقویت و توسعه صندوق های قرض الحسنه خانوادگی» نماید. دستگاه های همکار بانک مرکزی در این راه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت کشاورزی و مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری وقت بودند. بانک مرکزی می بایست این اقدام را در سال های ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ با بودجه ای معادل ۳۰۰ میلیارد ریال انجام می داد. [۳۹]. در این برنامه مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این برنامه را عهده داشت. مهمترین ایراد وارده به این برنامه پیش از آنکه موازی کاری آن با «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» و یا ایراد وارده به آن در زمینه مسائل اجرایی مطرح گردد، نبودن ردیف بودجه ای مستقل برای آن در طی سالیان آغاز رسمی اجرای این برنامه تاکنون بوده است که این امر منتج به عدم ازمایی برای دستگاه های اجرایی جهت اجرای آن گردیده است.

در انگلستان همزمان با اجرای برنامه «خانواده های دارای مشکل» برنامه دیگری در رابطه با حمایت از خانواده توسط دولت انگلستان با نام «برنامه خانواده های دارای مشکلات متعدد» آذر ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) تا اسفند ۲۰۱۵ (۱۳۹۳) اجرایی شد. اداره کل کار و بازنشستگان که اجرای این برنامه بر عهده آن بود درصدد بود که به واسطه این برنامه برای ۲۲٪ از افرادی که در جستجوی شغل بودند امکان اشتغال و نسبت به سایرین امکان نزدیک شدن به شغل را فراهم نمایند. بودجه در نظر گرفته شده برای این برنامه ۲۰۰ میلیون پوند بود [۳۷]. نقش هماهنگ کننده ی این برنامه توسط مقامات محلی یا اشخاص خصوصی صورت می پذیرفت. اطلاعات به دست آمده از نتایج نهایی این برنامه در ۲۰۱۵ نشان می دهد که از ۷۹۱۳۰ که در این برنامه به صورت فردی شرکت نمودند، ۹۱۳۰ نفر از آنان به اشتغال پایدار دست یافتند، که ۳۵۵۰ نفر از آنان در اسفند ۲۰۱۵ به این مهم دست یافتند. ارزیابی اداره کل کار و بازنشستگی در خصوص میزان موفقیت این برنامه نسبت به کلیه شرکت کنندگان بعد از ۱۸ ماه ورود آنان به این برنامه، ۱۱٫۸ درصد می باشد [۴۰]. مهمترین ایرادی که می توان به این برنامه وارد نمود آن است که این برنامه همزمان با اجرایی شدن «برنامه خانواده های دارای مشکل» نیز اجرایی شد و از جامعه آماری که «برنامه خانواده های دارای مشکل» براساس آن اجرا می شد، استفاده می نمود. همچنین اگر مقامات محلی در اجرای یکی از دو برنامه ها به موفقیت برسد دیگر امکان گرفتن وجه به خاطر موفقیت در برنامه دیگر را نداشتند [۳۲].

۴ رهبر دکلا موقت علی بن ابی طالب از «بهو دوضعی طبع و معیشتی خلوه و تعقی و گستوش نظم تان و رفاه اجتماع»

نتیجه گیری

خانواده اگر اصلی ترین نهاد اجتماعی در طول تاریخ بشریت نامیده شود به هیچ عنوان مبالغه گویی نشده است. اهمیت این نهاد تا حدی است که بسیاری از پیروزی و ظفرهایی که انسان ها بدان دست یافته اند ناشی از استحکام و قدرتمند بودن آن بوده است. عدم استحکام خانواده در بسیاری از زمان ها به عنوان یک اصل غیر قابل چشم پوشی نقش بسیار موثری در فروپاشی دولت ها و تمدن های بشر ایفا نموده است. دولت های جمهوری اسلامی ایران و انگلستان ضمن توجه به تفاوت های بنیادین اعتقادی و سیاسی غیرقابل چشم پوشی آنان، موضوع خانواده و حمایت از آن از اولویت های اصلی این نظام های سیاسی محسوب می شود. هر دو نظام سیاسی در سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ (۲۰۱۰-۲۰۱۵) راه حل برون رفت از مشکلات خانواده های آسیب پذیر در کشور خود را تهیه یک برنامه جامع و مدون می دانند و تلاش می نمایند که با تهیه یک برنامه فراگیر مشکلات مرتبط به خانواده ها را مرتفع نمایند. آنچه که مسلم است حمایت از خانواده و رفع مشکلات آنان بدون تهیه یک برنامه جامع و فراگیر که ابتدا تمام نیاز های خانواده را شناسایی و سپس با یک برنامه ریزی منسجم در جهت رفع آنان تلاش بنماید ممکن نیست و این موضوع مسئله ای است که در این برنامه ها به طور کامل قابل ملاحظه نیز می باشد. در عرصه مدیریت دولتی آنچه که لازمه کار بعد از تهیه برنامه ای مناسب و گردآوری افرادی فعال و کوشا و متعهد به اجرا برنامه، پیش بینی بودجه لازم جهت اجرای این طرح می باشد و این موضوع یکی از اساسی ترین مسائلی است که سبب شکست برنامه های جامع حمایت از خانواده در هر دو دولت شده است. از طرف دیگر نبود جامعه آماری واقعی و همچنین موازی کاری برنامه ها چه در درون هر برنامه میان دستگاه های اجرایی با یکدیگر و چه در میان یک برنامه با برنامه ای دیگر سبب شده است تا دستگاه های اجرایی و مخاطبان این برنامه ها تکلیف خود را ندانند. موضوع دیگر که بایستی در هر برنامه تفکیک وظیفه نظارت و اجرا نیز می باشد که در این برنامه آنچه که مشاهده می شود خلاف این موضوع می باشد. بنابراین بایستی گفت که اصل تهیه برنامه جامع حمایت از خانواده بسیار مفید است مشروط بر آنکه موارد فوق الذکر در آن نیز رعایت شود.

منابع

- [۱] شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۱۳۸۲). "سیاست های تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده در نظام اسلامی"، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، دوره ششم، صص ۳۳۹-۳۲۹.
- [۲] ارحامی، آسیه (۱۳۹۴). "بررسی تجلی گفتمان های زن و خانواده در برنامه های پنج گانه توسعه" تهران: دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۴۹۵.
- [3] Daly, M., R. Bray, Z. Bruckauf, J. Byrne, A. Margaria, N. Pec'nik, and M. Samms (2015). Vaughan. "Family and Parenting Support: Policy and Provision in a Global Context, Innocenti Insight", Florence, UNICEF Office of Research.
- [۴] محمدرضایی، زهرا؛ ساروخانی، باقر؛ سرایی، حسن (۱۳۹۶). "جهانی شدن و تحولات جمعیتی خانواده ایرانی"، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، شماره ۳۵.
- [۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). "جامعه شناسی"، ترجمه دکتر منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- [۶] جهانفر، محمد (۱۳۸۶). "مبانی جمعیت شناسی"، تهران: انتشارات دهخدا.
- [۷] ارحامی، آسیه (۱۳۹۲)، "بررسی تحولات نهاد خانواده در فضای جهانی شدن و تاثیر آن بر سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران"، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۰۸۵.

- [۸] بروجردی، لیلی و ویژه، محمدرضا (۱۳۹۵). "مطالعه تطبیقی قوانین و برنامه های توسعه ای دولت در حوزه خانواده(مورد مطالعه کشورهای ایران و مالزی)", فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳.
- [۹]. عباسی، بیژن (۱۳۹۵). "حقوق اداری تطبیقی"، تهران: نشر دادگستر.
- [۱۰]. عبدالهی حامد (۱۳۹۷). "سیاست ها و اقدامات حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از خانواده با تاکید بر اصل ۱۰ قانون اساسی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. تهران.
- [۱۱]. معینی فر، حشمت السادات (۱۳۹۱). "دولت های رفاه و سیاست های حمایتی خانواده"، تهران: نشر میزان.
- [۱۲]. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۵). "پرسش ها و پاسخ ها"، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- [۱۳]. حسن زاده، صالح (۱۳۹۲). «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهش نامه فرهنگ قرآنی، شماره ۱۵.
- [۱۴]. علاسوند، فریبا (۱۳۹۱). "تعامل خانواده و دولت". [در] همایش اندیشه های راهبردی زن و خانواده، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- [15]. Department for Communities and Local Government, Pickles, E. (2012). "Working with troubled families: a guide to evidence and good practice", London, Department for Communities and Local Government.
- [16]. James, C (2009). "Ten Years of Family Policy 1999–2009", London, Family and Parenting Institute.
- [17]. Home Office. Respect Task Force, crop creator (2006). "Respect action plan", London: Respect Task Force, Home Office.
- [۱۸]. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۱ [د]). "مجموعه تک نگاشت های مرکز {امور زنان و خانواده} در محور (اصلاح ساختار های کلان و اجرایی): تک نگاشت های شماره ۱۹ تا ۲۲"، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- [۱۹]. _____ (۱۳۸۹). "عملکرد مرکز امور زنان و خانواده در دولت نهم"، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- [۲۰]. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۲ [ب]). "گزارش عملکرد مرکز امور زنان و خانواده در دولت دهم"، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- [۲۱]. ارحامی، آسیه (۱۳۹۳). "بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۴ کل کشور ۱۶ حوزه زنان و خانواده"، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۰۶۰.
- [۲۲]. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۱ [ج]). "مجموعه تک نگاشت های مرکز [زنان و خانواده] در محور ستاد ملی زن و خانواده: تک نگاشت های شماره ۲۳ تا ۲۸"، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- [۲۳]. رضایی رسول (۱۳۹۱). "طرح بیمه اجتماعی زنان خانه دار"، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۷۹۶.
- [24] Home Office (1998). "Supporting families: a consultation document", London: The Stationery Office.

- [۲۵] مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۱ [الف]). "مجموعه تک نگاشت های مرکز [امور زنان و خانواده] در محور سیاست گذاری و راهبری: تک نگاشت های شماره ۱۵ تا ۱۸"، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- [۲۶] _____ (۱۳۹۱ [ب]). "برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده؛ بسته اجرایی برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده (ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه)"، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- [۲۷] _____ (۱۳۹۲ [الف]). "مجموعه تک نگاشت های مرکز در محور: سیاست گذاری و راهبری (برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده) تک نگاشت های شماره ۱ تا ۱۴"، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- [۲۸] ا.رحامی، آسیه؛ باجلان، اکرم (۱۳۹۰). "بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۱ کل کشور ۳۵ حوزه زنان و خانواده"، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۲۷۵.
- [۲۹] _____ (۱۳۹۲). "بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۳ کل کشور ۲۰ حوزه زنان و خانواده"، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۴۰۶.
- [30]. Social Exclusion Taskforce (2007). "Reaching Out: Think Family: Analysis and Themes from the Government's Families at Risk Review", London, Cabinet Office.
- [31]. Department for Communities and Local Government (2016[a]). "The first Troubled Families Programme 2012 to 2015 an overview", London, Department for Communities and Local Government.
- [32]. House of Commons Library (April, 2017). "The Troubled Families programme (England)", Number CBP 07585.
- [33]. Committee of Public Accounts (2016). "Troubled families: progress review", HC 711, Thirty-third Report of Session 2016–17.
- [34]. Department for Communities and Local Government (2013). "The Fiscal Case for Working with Troubled Families Analysis and Evidence on the Costs of Troubled Families to Government", London, Department for Communities and Local Government.
- [35]. _____ (2014). "Understanding Troubled Families", London, Department for Communities and Local Government.
- [36]. Committee of Public Accounts (2014). "Programmes to help families facing multiple challenges", HC 668, Fifty-first Report of Session 2013–14.
- [37]. National Audit Office (2013). Programmes to help families facing multiple challenges, HC 878 Session 2013-14.
- [38]. Department for Communities and Local Government (2016[b]). "National Evaluation of the Troubled Families Programme Final Synthesis Report", London, Department for Communities and Local Government.
- [۳۹] دبیرخانه ستاد ملی زن و خانواده، "برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده (براساس مصوبه ۵۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی"، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
- [40]. Department for Work and Pensions (2015). "ESF Support for Families with Multiple Problems": Dec2011 to Aug2015, London, Department for Work and Pensions.